

# مداخله دولت در بیمه

ترجمه: آیت کریمی

نزدیک صنعت بیمه با اقتصاد مدرن یک ارتباط تنگاتنگ طبیبی است. صنعت بیمه اگر چه سالهاست که موفق شده در بخش های دیگر خود را نمایان ساخته و توانسته پوششهای بیمه خود را به شرکتهای داخلی و زندگی شهرنشینی که زایده اقتصاد مدرن می باشد گسترش دهد. این حرکت نتیجه مهمی را برای صنعت بیمه جوان این کشورها به دنبال داشته که از بدو شروع آن چنین تصویری نمی رفت و آن وابستگی شدید به بخش مدرن صنعتی و اخیراً نیز به طبقه متوسط جامعه است. در حالی که این عمل خارج از هدف نهائی اقتصاد جوان این کشورهاست که حمایت از قشر کم درآمد جامعه و بخش تولید سنتی جامعه که اساس و پایه اقتصاد و جامعه کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهند است.

نیاز اساسی فعالیت بیمه ای گسترده آن در سطح وسیع است که اصطلاحاً تعداد زیاد نامیده می شود براساس قانون اعداد بزرگ ریسکهای بیمه شده در هر رشته از فعالیت باید به تعداد زیاد در سطح وسیع جغرافیائی پراکنده باشند. بنابراین کارآئی و اداره سیستم بیمه در گرو ارتباط میزان ظرفیت نگهداری سیستم با کمیت و تعداد ریسکهای بیمه شده است به عبارت دیگر بیمه هر ریسک مستقل در ارتباط با تعداد همه ریسکهای بیمه شده از همان رشته و طبقه می باشد زمانی که این اصل (تعداد زیاد) اولیه برای اداره صنعت بیمه تکافو ننماید در آن صورت میزان تعهد بیمه گر در صورت وقوع خسارت از نوسانات بیشتری از میزان پیش بینی شده برخوردار خواهد بود زیرا هر چقدر تعداد ریسک های بیمه شده

وجود بخش بیمه ای فعال و درست و منطقی لازمه یک اقتصاد رو به رشد است. نکته ای که سازمان آنکتاد در اولین نشست خود در سال ۱۹۶۴ پذیرفته و بر آن تأکید کرده است. به همان ترتیب هم داشتن یک اقتصاد پویا و رو به توسعه مستلزم داشتن بازار بیمه متحول است که در سطح گسترده و یا محدود بر شرایط اقتصادی یک کشور تأثیر می گذارد. یک اقتصاد غیرمتعادل نمی تواند دارای یک بازار بیمه متعادل باشد. نمونه بارز این ادعا اقتصاد نامتعادل کشورهای در حال توسعه است که متأسفانه هیچکدام دارای بازار بیمه متعادل نیستند. استعمار، اقتصاد اغلب این کشورها را نابود کرده است. ظرفیت تولیدی آنها به جای رفع نیازهای اساسی مردم بیشتر برای حفظ منافع تجار بین المللی بکار گرفته می شود. تقسیم بندی این کشورها به بخش های توسعه یافته یا کمتر توسعه یافته، شهرنشینی و بالاخره بخش سنتی که اکثریت توده جامعه را در بر می گیرد براساس روشهای استعماری است که بلافاصله بعد از به استقلال رسیدن آن کشورها خود را ظاهر می سازد. دولت ها و برنامه ریزان توسعه اقتصادی به امید اینکه پیشرفتی در کل اقتصاد جامعه حاصل و نیز کمکهای خارجی را به این جهت جلب نمایند به بخش مدرن و پیشرفته اقتصادی توجه بیشتری می نمایند. نکته بارز بخش اقتصاد مدرن برنامه ریزی به صورت ایجاد وابستگی شدید به بازارهای جهانی در مبادلات بازرگانی کشورهای در حال توسعه می باشد. صنعت بیمه این کشورها هم دقیقاً در ارتباط با چنین سیستم اقتصادی است و همگام با آن به پیش می رود و این ارتباط

سرمایه جهانی و ساکن بودن رشد و توسعه آنها عواملی هستند که در رشد بالقوه کشورهای جهان سوم تأثیر به سزائی داشته است. نداشتن برنامه منظمی برای بازار موجب شده که این کشورها نتوانند برنامه مدونی برای توسعه فعالیت خود داشته باشند. از آنجائی که توسعه از طریق گسترش بازار بیمه مستقیم، بسته است بنابراین تنها راه باقیمانده بیمه اتکائی خواهد بود. مرحله اول بیمه اتکائی کشورهای در حال توسعه اتکائی در خارج از کشور است در نتیجه شرکتهای بیمه قادر نخواهند بود که ذخایر فنی خود را در داخل کشور سرمایه گذاری نمایند. این طریق اوضاع را بدتر کرده و شرکتهای بیمه مجبورند درآمد حق بیمه خود را تبدیل به ارز خارجی کرده بابت عملیات اتکائی به خارج از کشور انتقال دهند. دولتها و بانکهای مرکزی همه ساله شاهد افزایش حق بیمه انتقالی به خارج از کشور نسبت به سال قبل می باشند اگر چه این عمل ممکن است غیر قابل اجتناب باشد ولی دولتها برای نظارت بر آن دخالت کرده و امر بیمه های اتکائی را تحت کنترل خود در می آورند.

### دخالت دولت در امر بیمه اتکائی

دخالت دولت در امر بیمه اتکائی نه بخاطر تشویق آنکستاد در این زمینه است بلکه حاصل تلاش این دولت ها طی سالیان متمادی است. تنها علت دخالت دولت در صنعت بیمه فقط از دست دادن درآمد حق بیمه به ارز خارجی بابت عملیات اتکائی نیست بلکه انگیزه دولت از این دخالت تحت نظارت و کنترل در آوردن مؤسسات مالی است که نقش مهمی را در راستای تحقق اهداف اقتصادی کشور دارند. در بعضی از کشورها دولت به دلیل اعتقاد به برنامه ریزی اقتصادی و مزیت های اقتصادی و اجتماعی بخش عمومی در مقابل بخش خصوصی مؤسسات بیمه را ملی اعلام کرده است. در بقیه کشورها دخالت دولت به صورت مالکیت دولت در بخشهای کلیدی

بیمه گر در صورت وقوع خسارت از نوسانات بیشتری از میزان پیش بینی شده برخوردار خواهد بود زیرا هر چقدر تعداد ریسک های بیمه شده بیشتر باشند براساس قانون احتمالات برآورد میزان خسارت دقیق تر خواهد بود زیرا به موجب این قانونی خسارات در درازمدت نه تنها از نظر کیفی حتی از نظر کمی نیز قابل پیش بینی و برآورد می باشند پس هر چه تعداد مشاهدات و تجربیات بیشتر باشد برآورد دقیق تر خواهد بود. اساس محاسبه حق بیمه میزان خسارات واقع شده می باشد. اما در عمل امکان آن نیز وجود دارد که شرکت با تعدیل حق بیمه اساس نوسانات آماری را با ایجاد ذخایر فنی با استفاده از تجربیات و توان فنی متخصصین خود جبران کرده و سیستم دقیق تعیین نرخ و صدور را برای شرکت ایجاد نماید. اما چگونه شرکتهای کوچک و جوان که از نظر فنی و مالی توانائی لازم را ندارند می توانند اثرات نوسانات آماری را با ایجاد ذخایر لازم جبران نمایند؟ به دلیل ساختار بازار بیمه کشورهای جهان سوم به دشواری می توان قدرت مالی لازم را در این بازارها تدارک دید. این مشکل در شرکتهائی که تازه تأسیس هستند و سرمایه کافی برای اداره شرکت را در اختیار ندارند بطور جدی خود را نشان می دهد. در برخی از این بازارها تعداد شرکتهائی که بتوانند به میزان کافی حق بیمه داشته باشند بسیار اندک است.

تقویت بنیه مالی شرکت های بیمه از دو راه امکان پذیر است، اولی توسعه بازارهای بیمه ای مستقیم دوم از طریق بیمه اتکائی. واضح است که اولین انتخاب یک شرکت بیمه پویا باید گسترش فعالیت شرکت باشد. گسترش در بخش اقتصاد مدرن کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر عوامل خارجی است. در دهه گذشته تنجیر و تحولات بازارهای بیمه ای به نفع کشورهای جهان سوم نبوده است. کاهش قیمت تولیدات جهان سوم، افزایش قیمت نفت، افزایش نرخ بهره در بازارهای

اتکائی انحصاراً در دست دولت می باشد. دولت با تأسیس و ایجاد شرکتهای و مؤسسات بیمه اتکائی نیازهای اتکائی بازار را رفع می نماید. چنین سیستم اتکائی متمرکز کلاً و مازاد بر ظرفیت کل بازار را نزد بازارهای بین المللی اتکائی می نماید. علاوه بر آن این مؤسسات بعضاً از جمله سازمانهای نظارتی هستند و تنها مرجع مورد اعتماد برای جمع آوری اطلاعات و انعکاس آن به مقامات مسئول برای ارزیابی و نحوه پیشرفت بازار بیمه ملی می باشند.

بهر نحوی که دولت در اداره صنعت بیمه دخالت نماید هدف اصلی از آن در اغلب بازارهای بیمه ای این است که هیچ نوع بیمه ای اعم از مستقیم و اتکائی قبل از اشباع ظرفیت بازار داخلی به خارج از کشور واگذار نشود. حتی برخی از کشورهای پا را فراتر گذاشته و معتقدند که در بعضی از رشته های بیمه ای اتکائی به خارج لزومی نداشته بلکه کلاً باید در داخل کشور نگهداری شوند در این راستا آقای جی. او. ایرو کوا مدیر اجرایی سابق شرکت اتکائی نیجریه می گوید در این کشور از سال ۱۹۸۷ کلیه عملیات بیمه ای در رشته اتومبیل و مسئولیت و از سال ۱۹۸۸ بیمه های عمر در داخل کشور نگهداری می شود و واگذاری به خارج در این رشته ها مجاز نیست و فلسفه فکر نگهداری هر چه بیشتر در داخل بازار بدین منظور است که باید منابع ارزی محدود این کشورها برای اخذ پوششهای اتکائی برای صنایع بزرگ و ریسکهای کلیدی که عمدتاً باید در خارج کشور اتکائی شوند صرف گردد. مطمئناً هدف اصلی دولت و برنامه ریزان رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از ایجاد شرکتهای بیمه اتکائی افزایش حجم نگهداری در بازار داخلی بوده است. در این سیستم در مقایسه با سیستم آزادی انتخاب بیمه گر اتکائی از طرف شرکتهای بیمه حجم بیشتری از حق بیمه در داخل کشور نگهداری می شود. بدون شک کسی یافت نمی شود که معتقد باشد در سیستم بازار آزاد

اقتصاد می باشد. در این کشورها دولت بر این باور است که صنعت بیمه یکی از حساسترین و مهمترین فعالیتهای اقتصادی است و دولت باید به منظور حفظ و حمایت از دارائیهای ملی و منافع بیمه گذاران در اداره صنعت بیمه دخالت داشته باشد. در مجموع دخالت دولت در اداره صنعت بیمه از دو طریق انجام می پذیرد. نخست از طریق وضع قانون و به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت مؤسسات بیمه، دوم از طریق مشارکت دولت در مالکیت شرکتهای بیمه یا تأسیس شرکت های بیمه دولتی که بیمه اتکائی واگذاری اجباری از شرکتهای بیمه می پذیرد بالاخره ممکن است دولت فعالیت صنعتی بیمه را کلاً یا فقط بیمه اتکائی را انحصاراً در اختیار خود بگیرد.

در نتیجه دخالت دولت در اداره صنعت بیمه بازارهای بیمه ای به شرح زیر تقسیم می شوند:

الف - بازارهایی که کلیه مؤسسات بیمه اعم از شرکتهای بیمه مستقیم و اتکائی همانند سایر بخش های اقتصادی در انحصار دولت بوده و براساس مکانیزم و برنامه ریزی دولتی اداره می شوند.

ب - اقتصاد مختلط که دولت مالکیت اکثر بخشهای اقتصادی را در اختیار دارد در این نوع بازار بیمه انحصاری بوده و در دست دولت متمرکز است. از ویژگیهای چنین بازاری وجود تنها یک شرکت دولتی است که کلیه معاملات بیمه را انحصاراً به خود اختصاص داده است. گاهی اوقات نیز چندین شرکت دولتی در بازار در رقابت با یکدیگر به فعالیت مشغولند و یا اینکه بازار تخصصی بوده هر یک از شرکتهای دولتی مجاز به فعالیت در یک و یا رشته های خاص بیمه ای هستند.

ج - کشورهایی نیز هستند که در آنها دخالت دولت در انحصار بیمه اتکائی متجلی می شود. شرکتهای بیمه مستقیم عمدتاً در دست بخش خصوصی بوده و همانند بازار آزاد در بازار رقابتی به فعالیت مشغولند ولی کلیه معاملات

اتکائی حق بیمه بیشتر از سیستمی که دولت مستقیماً در امر اتکائی دخالت می کند نگهداری می شود. علاوه بر نگهداری حجم بیشتر عملیات اتکائی در داخل کشور مشکل مهم دیگر نیز که وابستگی شدید شرکتهای بیمه مستقیم به بازارهای اتکائی جهانی است، تخفیف می یابد. در اینجا هم به دلیل عدم تعادل بازار صنعت بیمه باز هم قادر نیست تعداد زیاد ریسکهای ساده و مشابه را جمع آوری نموده و پرتفوی مناسبی را تشکیل دهد. اگرچه ممکن است در بخش بیمه اتومبیل این امر عملی باشد ولی به دلایل عدیده بیمه اتومبیل نمی تواند کمکی در جهت تقویت بنیه مالی شرکت باشد زیرا بیمه اتومبیل از یک طرف با مسائل سیاسی در ارتباط بوده و از طرف دیگر رشته سودآوری نمی باشد. هیچ راه حلی بجز ایجاد پرتفوی متنوع از تعداد زیادی از ریسکهای سودآور وجود ندارد و گر نه پیچیدگی ریسکهای بزرگ صنعتی که زائیده رشد و پیشرفت تکنولوژی است و وابستگی شدیدی از نظر اتکائی به بازارهای جهانی دارد عدم تعادل پرتفوی را برای بیمه گران صنعت بیمه جوان کشورهای در حال توسعه به ارمغان می آورد. در چینی شرایطی ممکن است یک شرکت چندین سال از فعالیت خود سود ببرد ولی وقوع تنها یک خسارت کافی است که نه تنها سود چندین ساله این شرکت را فنا کند بلکه زیان هنگفتی نیز به شرکت تحمیل گردد. علاوه بر این ریسکهای پیچیده و بزرگ صنعتی که زائیده تکنولوژی جدید است عمدتاً وارداتی است و در کشورهای خارجی طراحی و برای مقاصد صادراتی ساخته شده اند کشورهای جهان سوم محصولات را وارد می کنند. تأمین منابع ارزی، خود مقوله دیگری است بنابراین عاقلانه است که بیمه اتکائی آنها نیز از طریق واگذاری اتکائی نزد بازارهای اتکائی بین المللی انجام پذیرد که آن نیز مستلزم تأمین ارز خارجی می باشد. به تجربه ثابت شده که در اغلب بازارها افزایش سطح حق بیمه متناسب با

افزایش عمر ریسک نیست و حق بیمه کمتر از افزایش خطرپذیری مورد بیمه است. بیمه گران اتکائی حرفه ای را عقیده بر این است که با توجه به کاهش سرمایه گذاری های جدید ریسکهای موجود سال به سال در معرض خطر بیشتر قرار می گیرند در حالیکه رقابت و آمار خسارت که به ظاهر خوب جلوه می نماید موجب می شود که حق بیمه علیرغم افزایش ریسک پذیری خطرات کاهش پیدا کند که اینهم علاوه بر موارد دیگر موجب عدم تعادل فعالیت شرکتهای بیمه کشورهای جهان سوم است. دلایل دیگری نیز علاوه بر موارد فوق برای عدم تعادل نتیجه وجود دارد که در ارتباط با بیمه محصولات تکنولوژی جدید نیست بلکه ناشی از وابستگی شدید این بازارها به بازارهای اتکائی بین المللی است. در بین کشورهای در حال توسعه شورانهائی هستند که در معرض حوادث فاجعه آمیز طبیعی قرار دارند و تجمع خطر بازارهای بیمه داخلی را تهدید می کند. علاوه بر این همه شرکتهای بیمه اتکائی جوان و تازه تأسیس اغلب کشورهای جهان سوم فاقد نیروی انسانی متخصص و ماهر به تعداد کافی هستند و تنها از طریق آموزش نمی توان این نیاز را برطرف کرد. در شورانهائی که عملیات بیمه اتکائی در انحصار دولت می باشد سطح حقوق کارکنان همانند حقوق کارکنان سایر بخشهای دولتی است در نتیجه پرسنل ورزیده و متخصص در امر اتکائی پس از صرف هزینه های هنگفتی که شده جذب شرکتهای خصوصی که حقوق بالاتری می پردازد می شوند. نقص دیگر شرکتهای بیمه اتکائی در این کشورها وابستگی آنها به سیاست صدور شرکت های بیمه مستقیم و ظرفیت بسیار کم بیمه گران داخلی می باشد. شرکتهای بیمه مستقیم تلاش کافی برای ارزیابی ریسک بکار نمی برند و روشهایی از مدیریت ریسک را اعمال می کنند که بسیار ساده است تا بتوانند بخش عمده ای از ریسک را اتکائی نمایند. دقت کافی در ارزیابی ریسک اعمال نمی شود تا قسمت اعظم ریسکهای که

پتانسیل خسارت پائینی دارند در داخل شرکت نگهداشته شده و بخش کوچکی از آن بیمه اتکائی شود. عدم توجه به روشهای صحیح مدیریت ریسک در عمل موجب می گردد که بیمه گران اتکائی نیز بالقوه در معرض تهدید ریسک های سنگین قرار گیرند. عامل دیگری که باعث شده شرکت های بیمه اتکائی ملی کشورهای در حال توسعه تمایل نداشته باشند که ظرفیت پذیرش خود را افزایش داده و از نظر فنی خود را مجهز سازند سهولت و ارزانی بیمه اتکائی در بازارهای بین المللی است. به دلیل رقابت و وجود ظرفیت مازاد در بازارهای جهانی بیمه گران اتکائی و دلالت بین المللی شرایط سهل و نرخیهای پائینی را به این بازارها پیشنهاد می نمایند. چنین شرایطی موجب می گردد که شرکتهای محلی ترغیب شوند قسمت اعظم حق بیمه خود را صرف اخذ پوشش اتکائی از بازارهای خارج از کشور نمایند. در حالی که ممکن است به آن میزان اتکائی لازم نداشته باشند که اینهم علتی مزید بر علت های دیگر است که در نهایت موجب تضعیف بازار داخلی می شود. در نتیجه هیچ دلیلی وجود ندارد که شرکت بیمه ملی این کشورها زحمت این را به خود بدهند که ریسکهای بیمه ای را به دقت آنالیز کرده و راه حل فنی مطلوب خود را انتخاب کنند. از آنجائی که بیمه گران اتکائی طرف قرارداد این شرکتهای بنوبه خود بخشی از پرتفوی قبولی خود را نزد شرکتهای دیگر با شرایط بهتری اتکائی مجدد می کنند دلیلی نمی بینند که از شرکت واگذارنده اولیه بخواهند که ضمن بهبود و ارتقاء شیوه های صدور بیمه نامه مشوق مشتریان خود در ایجاد سیستم و کاربرد مدیریت ریسک در فعالیتهای خود باشند. و در نهایت انگیزه های ایجاد یک بازار قوی و متکی به خود به فراموشی سپرده می شود.

#### عدم دخالت دولت در بازارهای بیمه ای

بنا به دلایل متعددی که بدانها اشاره رفت مادامی که اداره صنعت بیمه در دست دولت باشد عدم موفقیت بیمه گران مستقیم و اتکائی

کشورهای یاد شده غیر قابل اجتناب است. سنوایی که بطور روزافزونی در اذهان مردم شکل گرفته و مطرح می شود اینست که اگر عدم موفقیت صنعت بیمه در دست دولت حتمی است بهتر است دولت به بخش خصوصی اجازه دهد در این رشته فعالیت نماید. فکر مشارکت دادن بخش خصوصی در اداره صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه و ایجاد بازار آزاد فعالیت در این صنعت با شدت بیشتری در تمام کشورهای جهان سوم مطرح است. دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زمانی بود که شاید دولتی کردن صنعت بیمه راه عاقلانه ای بنظر می رسید که دولت بتواند رفرف های اقتصادی مورد نظر خود را در تمام ابعاد پیاده نماید. در حال حاضر این باور بوجود آمده که مؤسسات تجاری دولت در رسیدن به اهدافی که به منظور تحقق به آن تأسیس یافته اند موفق نبودند انتظاری که از مؤسسات بازرگانی دولتی می رفت که بتوانند جذب سرمایه گذاری کرده و قدرت مالی آن مؤسسات را افزایش دهند در عمل نه تنها تحقق نیافته بلکه از آن فاصله نیز گرفته است. در برخی از کشورهای جهان سوم مؤسسات تجاری دولتی تنها تلاششان در حد اداره و سرپا نگهداشتن مؤسسه در برنامه و بودجه مصوبه است که به فکر هیچگونه نوآوری و کوشش در جهت بهبود و ارائه خدمات بهتر به متقاضیان خود نیستند. در شرایط بحرانی و مشکلات اقتصادی نمی توانند به دولت کمک کنند و ممکن است به دلیل لوکس بودن اینگونه خدمات از ادامه آنها خودداری نیز بنمایند. مشارکت بخش خصوصی جواب طبیعی سنوالات مطرحه است با شروع فعالیت بخش خصوصی در کنار بخش دولتی نه تنها ابزاری برای کنترل کیفیت و کمیت خدمات ارائه شده در دسترس قرار می گیرد، بلکه با ایجاد بازار رقابتی سالم بخش دولتی نیز تلاش خواهد کرد که توانائی های خود را با قیمت مناسب در دسترس مشتریان خود قرار دهد. سنوالات دیگری که بلافاصله با مطرح شدن بخش خصوصی متبادر به ذهن می شود این است

که آیا تغییر مالکیت از بخش دولتی برای تعادل بازار کافی است؟ جواب این است که تغییر مالکیت در کشورهای در حال توسعه به تنهایی نمی تواند موجب رشد و توسعه اقتصاد شود چه آن زمان که بعد از جنگ جهانی دوم این کشورها به ملی شدن روی آوردند و چه اخیراً که این کشورها به فکر توسعه بخش خصوصی افتاده اند. ایجاد بازار آزاد و فعال شدن بخش خصوصی لازم است ولی کافی نیست در کنار این تغییر ساختار، تحولات دیگری نیز لازم است که بتوان از خصوصی و آزاد شدن بازار حداکثر بهره برداری را کرد و به اهدافی که از آن انتظار می رود نائل شد.

در قدم اول واگذاری به بخش خصوصی، مؤسساتی که زیان ده هستند به سادگی امکان پذیر نخواهد بود. (اگر آنها زیان ده نباشند دولت مایل نخواهد بود که با واگذاری آنها به بخش خصوصی خود را راحت نماید). معمولاً این کار پس از نوسازی و تغییرات در پروسه تولید و بعد از دادن تخفیفات عمده و هزینه های سنگین و پیدا کردن خریدار با پتانسیل عملی خواهد بود. اغلب هر دو مورد ضروری است. تجربه ثابت نموده که آن کشورهایی که برنامه های خصوصی شدن در آنها در سطح وسیعی پیدا شده پوششهای وسیعی برای خریداران تدارک دیده می شود.

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که اگر دولت قادر نیست دارائیهای کشور را اداره نموده و از آن در جهت منافع عمومی بهره برداری نماید بهتر است زمینه هایی که امید موفقیت در آن متصور نیست رها نموده تلاش خود را متوجه اهدافی نماید که منافع عمومی تضمین شود. به همین دلایل است که برنامه های خصوصی شدن در برخی از کشورها با موفقیت قرین بوده است. کشورهای بنگلادش و توگو که برنامه های خصوصی شدن در آنها موفق بوده گواهی بر این مدعا هستند.

مشکل دیگر برای اجازه فعالیت بخش

خصوصی در صنعت بیمه کشورهای جهان سوم مشکل کمبود سرمایه در بخش خصوصی و نداشتن انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در رشته هایی است که نیازمند برنامه ریزی دراز مدت می باشد. در اکثر کشورهای در حال توسعه صاحبان سرمایه بخش خصوصی ترجیح می دهند سرمایه خود را در امر تجارت صادرات و واردات که بازدهی آنها سریع تر می باشد بکار اندازند و سرمایه گذاری بلند مدت مطلوب آنها نیست. سرمایه گذاری در صنایع تولیدی و خدمات مالی مانند بیمه به دلیل عدم ثبات اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه جذابیت کمتری برای بخش خصوصی دارد. کمبود منابع سرمایه گذاری و عدم تمایل بخش خصوصی در سرمایه گذاری رشته هایی که نتیجه فعالیت آنها نیازمند برنامه ریزی دراز مدت می باشد موجب شده که سرمایه گذاری در صنعت بیمه و صنایع تولیدی با محدودیت منابع روبرو شود. بازار سهام ابزار مناسبی برای جذب سرمایه جهت مشارکت بخش خصوصی در راه اندازی صنعت بیمه است. در کشورهایی که با این ابزار آشنائی ندارند سرمایه گذاری بخش خصوصی در صنعت بیمه احتیاج به زمان دارد.

حتی اگر بتوان سرمایه بخش خصوصی را جهت خصوصی کردن مؤسسات دولتی پیدا کرد ممکن است این نوع سرمایه گذاری فقط جمع آوری سرمایه های عموم مردم باشد. بدون آنکه نفعی برای مصرف کنندگان خدمات این مؤسسات داشته باشد. خصوصی کردن به تنهایی نمی تواند طبیعت بازار و کمیت و کیفیت خدماتی را که آن بازار ارائه می دهد تغییر دهد، بلکه ساختار بازار باید تغییر کند و گزینه انحصار دولتی به انحصار خصوصی تبدیل شده، قیمت گذاری انحصاری دولت تبدیل به نرخ گذاری انحصاری خصوصی خواهد شد که چیزی بجز توانگر کردن مالکین انحصاری نیست شاید بهتر باشد که سیستم ارائه سوبسید توسط برخی از مؤسسات برقرار گردد که



مقرراتی نیز برای نحوه فعالیت شرکتهای بیمه خارجی لازم است. اساس و اصول نحوه سرمایه گذاری درآمد حق بیمه شرکتهای بیمه وقتی که حجم نگهداری صنعت بیمه افزایش پیدا می کند مشکل دیگری است این اصول درباره سرمایه گذاری ذخایر شرکتهای بیمه عمدتاً اشتباه و یا نامربوط است سرمایه گذاری مؤسسات بیمه باید علاوه بر اینکه در راستای اهداف اقتصاد ملی بوده و در جهت توسعه آن بکار رود ضمن اطمینان بخش بودن به سهولت قابل تبدیل به وجه نقد باشد زیرا این ذخایر ما به ازاها تعهدات آینده این شرکتها است. گاهی اوقات سرمایه گذاری در صنایع و شرکتهایی که انتظار می رود سودآور باشند در عمل چنین از آب در نمی آیند. چنین تشکیلات اقتصادی قادر نخواهند بود ذخایر شرکتهای بیمه داخلی و خارجی را به سوی خود جذب نمایند. سرمایه گذاری در خارج از کشور نیز امروز بازدهی مناسبی ندارد البته شرکتهای بیمه ای هستند که موفقیت‌هایی را در امر سرمایه گذاری داشته اند ولی تعداد آنها اندک است. با چنین روند صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه چگونه قادر خواهند بود با مؤسسات بیمه خارجی که درآمد بسیار خوبی از سرمایه گذاری دارند و ذخایر کافی اندوخته اند و می توانند براحتی نرخهای بیمه را کاهش دهند رقابت نموده و به حیات اقتصادی خود ادامه دهند؟

شرکتهای بیمه چه وضعیتی خواهند داشت هنگامی که دولت تصمیم بگیرد در برخی از رشته های بیمه همانند اتومبیل برای بیمه گذاران سوبسید منظور نماید. در حالیکه شرکتهای بیمه خارجی همزمان شروع به فعالیت در رشته های سودآور نموده و تنها بیمه اتومبیل را برای شرکتهای بیمه داخلی بگذارند. مشکل برای آن دسته از بازارها که تنها تعدادی محدود شرکت بیمه دولتی در آنها فعالیت می نمایند و رقابت به مفهوم واقعی در این بازار صورت نمی گیرد حادث می شود. اما در بازارهایی که بخش خصوصی

آنهم دور از هدف سیاست ایجاد رفرم است. ساختار بازار بیش از نوع مالکیت مؤسسات آن بازار در ارائه خدمات مؤثر است. قبل از اینکه بخش خصوصی مجوز فعالیت کسب نماید باید قوانین و مقرراتی را که ساختار بازار براساس آن ایجاد شده و مقرراتی که نقش اصلی را در بازار بازی می نمایند تغییر یابند. این کار عملی نخواهد بود مگر اینکه چهارچوب قوانین و مقررات به درستی و با دقت جایگاه رشته فعالیت اقتصادی مورد نظر را مشخص کند. برای مثال چنین قوانینی باید شامل قوانین و مقررات مدونی در مورد رقابت ناسالم و چگونگی رقابت سالم مؤسسات بازرگانی، محدودیت های بازار برای فعالیت مؤسسات، قوانین مربوط به کارتل ها و انحصارگران و در مورد صنعت بیمه قانون نحوه نظارت بر فعالیت مؤسسات بیمه باشد. رعایت قوانین و مقررات فوق الذکر نیازمند داشتن ابزارهای اجرایی لازم و سیستم قوی حقوقی و محاکم دادگستری است که متأسفانه کشورهای فقیر و در حال توسعه فاقد آن می باشند.

مراحل انتقال از بازار انحصاری اروپای شرقی به بازار آزاد نشان می دهد که انتقال بازار انحصاری به بخش خصوصی باید بطور دقیق و هوشیارانه بوده و با بکارگیری ابزارهای اندازه گیری کیفیت و کمیت فعالیت بازار و با توجه به تغییرات ساختاری آن عملی است و گرنه در کوتاه مدت ممکن است بی نظمی و آشفتگی جایگزین رشد و توسعه گردد. و در دراز مدت یعنی ۶۰ سال آینده دیگر ما زنده نخواهیم بود که نتیجه را مشاهده کنیم. اگر کشوری ترجیح می دهد که به جای بازار انحصاری و اجباری دولتی بازاری داشته باشد که بخش خصوصی در آن ابتکار عمل را به دست بگیرد. باید آن بازار قبل از خصوصی شدن به طرف بازار آزاد سوق داده شود و گرنه برنامه کامل نخواهد بود. برای تشکیل بازار آزاد بیمه ای نه تنها مجوز برای تأسیس شرکتهای بیمه جدید مورد نیاز است بلکه

کنار بخش دولتی فعالیت کرده و رقابت می نمایند و امکان فعالیت برای مؤسسات بیمه خارجی نیز تا حدودی فراهم است مشکلات بسیار کمتر است.

آن تعداد از کشورهای جهان سوم که دارای اقتصاد مختلط هستند و بخش خصوصی در کنار بخش دولتی فعالیت می نماید و دارای شرکتهای بیمه با کفایت و توانائی مالی مناسب بوده و موفق هستند و از اعتماد عمومی نیز برخوردارند و در مقطعی قرار گرفته اند که با اطمینان می توانند در بازار را به روی سرمایه های خارجی باز نمایند. تنها مانع عمده ای که باقی می ماند فقدان ابزار قانونی و ساختار تشکیلاتی بازار است که زمینه مناسب فعالیت را برای هر دو گروه اعم از شرکتهای بیمه داخلی و خارجی فراهم نماید که ضمن حفظ رقابت سالم کشور را در جهت نیل به اهداف توسعه اقتصاد ملی حرکت دهند. افزایش رقابت در بازار موجب خواهد شد که شرکتهای داخلی تحت فشار افزایش سرمایه و تقویت بنیه مالی شرکت قرار گیرند این حرکت موجب می شود که شرکتهای بیمه داخلی جهت افزایش توان فنی و ارائه هر چه بهتر خدمات به بیمه گذاران به ادغام روی آورند که هم به نفع صنعت بیمه و هم به نفع کل اقتصاد کشور است. حتی در کشورهایی که بازار آزاد جامع برای صنعت بیمه دارند صدور مجوز برای تأسیس شرکت بیمه اتکائی برای بخش خصوصی مورد ابهام و سؤال است. مسلماً این مسئله مورد تأکید است که در امر بیمه اتکائی مالکیت شرکت بیمه در مقایسه با ساختار بازار و نقشی که شرکت بیمه اتکائی در بازار ایفا خواهد کرد از اهمیت کمتری برخوردار می باشد. اگر شرکت بیمه اتکائی قادر نباشد در بازارهای اتکائی بین المللی بهترین شرایط را برای پوششهای اتکائی مورد نیاز خود کسب کند و واگذاریهای خود را نزد معتبرترین بیمه گران انجام داده و سرمایه گذاری سودآوری را داشته باشد خصوصی کردن فعالیت

بیمه اتکائی در تضاد اهدافی است که بر خصوصی شدن و آزاد سازی بازار بیمه اتکائی متصور است.

ممکن است شرایط مناسب برای سرمایه گذاری در بازار داخلی وجود نداشته باشد که اغلب نیز چنین است. در کشورهایی که بازار سودآوری برای سرمایه گذاری ندارند و فرصتهای سرمایه گذاری بسیار محدود است بیمه گران اتکائی ترجیح می دهند که سرمایه خود را بیشتر در خارج از کشور سرمایه گذاری نمایند تا در بازار داخلی در حالیکه اتفاقاً چنین بازارهایی نیاز شدید به سرمایه گذاری داخلی دارند زیرا سرمایه گذاران خارجی به هیچ وجه مایل نیستند در این کشورها سرمایه گذاری کنند. از طرف دیگر اگر از این سناریو جلوگیری شود و بیمه گران اتکائی زیر فشار قانون و مقررات و کنترل شدید از نقطه نظر سرمایه گذاری و واگذاری در خارج از کشور قرار بگیرند در بازار رقابتی قادر نخواهند بود که دوام آورده و بتوانند تعهدات خود را انجام دهند. این مشکلات با بودن سیستم واگذاری اتکائی اجباری بسیار پیچیده تر می شود چطور ممکن است که بیمه گران اتکائی خصوصی را وادار کرد که از شرکتهای بیمه مستقیم داخلی اتکائی اجباری بپذیرند در عین حال عملیات اتکائی واگذاری مجدد و سرمایه گذاری سودآوری داشته باشند.

از طرف دیگر این مسئله بیشتر مورد سؤال است که در صورت عدم اصل اتکائی واگذاری اجباری، چه میزان عملیات بیمه اتکائی از شرکتهای بیمه مستقیم داخلی نصیب بیمه گران اتکائی داخلی خواهد شد. بدون شک می توان گفت تحت چنین اوضاع و احوالی بیمه گران اتکائی خارجی به منظور کسب درآمد بیشتر در دراز مدت شرایط سهل تر و ارزان تری را پیشنهاد خواهند کرد که بیمه گران اتکائی ملی خصوصی قادر نخواهند بود با آنها به رقابت بپردازند. در برخی از کشورها هیچ شانسی برای فعالیت



است این برنامه عملی نخواهد بود. واضح است که چنین برنامه‌ای در کشورهای پیشرفته که هیچگونه مشکلات مالی و ارزی ندارند قابل پیاده شدن است. بنابراین امکان تهیه طرح و سیستم برای کلیه کشورها در کوتاه مدت میسر نمی‌باشد. اگرچه در سالهای اولیه پس از استقلال مشکلات تا حدودی در همه کشورهای در حال توسعه تقریباً یکسان بوده و می‌توانست راه حل متحد الشکلی برای همه آنها وجود داشته باشد. ولی از اوایل دهه ۱۹۹۰ موقعیت تغییر کرده و اختلافات عمده‌ای مشاهده شده است. از عواملی که در ایجاد اینگونه تفاوتها مؤثر بوده و موجب شده‌اند که صنعت بیمه این کشورها در شرایط خاص خود قرار گیرند می‌توان از ساختار بازار، میزان و نحوه رقابت، قانون و مقررات حاکم بر بازار بیمه، وضعیت اقتصاد کلان کشور و غیره نام برد که موجب شده است نتوان نسخه واحدی برای حل مشکلات صنعت بیمه این کشورها تجویز کرد. تصمیم جهت اخذ سیاست واحد برای نحوه اداره کردن صنعت بیمه باید در ارتباط با سیاستهای کلی اقتصادی و در راستای احداث برنامه ریزی هریک از کشورهای جهان سوم صورت پذیرد. بنابراین نمی‌توان راه حل استاندارد را براساس ایدئولوژی اقتصادی برای همه این کشورها اتخاذ نمود. ممکن است برای برخی از کشورها خصوصی و آزاد کردن بازار بیمه نه تنها مناسب بوده بلکه ضروری باشد ولی برای کشورهای دیگر ممکن است لازم باشد هنوز به صورت بازار انحصاری و تحت کنترل اداره شود. حتی کشورهایی که راه حل خصوصی شدن را انتخاب نمی‌نمایند ضرورتی ندارد که کلیه شرکت‌های بیمه ملی خصوصی شوند بلکه بخش خصوصی می‌تواند در کنار بخش دولتی به رقابت سالم بپردازد. فقط در بازارهای بیمه‌ای که در سطح وسیعی به طرف آزادی بازار رفته و درهای بازار بیمه به روی سرمایه‌های خارجی باز شده شاید واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی

بیمه گران اتکائی خصوصی نیست زیرا آنها بدون دریافت اتکائی اجباری قادر به ادامه فعالیت نیستند در حالیکه واگذاری اجباری اختصاص به بیمه گران دولتی دارد. مسلماً در بین کشورهای در حال توسعه کشورهایی هستند که دارای بازار بیمه قوی با امکانات مالی و فنی باشند در چنین بازاری بیمه گر اتکائی داخلی با ایجاد ذخایر فنی مناسب و در اختیار قرار دادن تجربیات فنی خود می‌تواند ضمن جلب اعتماد بیمه گران مستقیم همکاری نزدیکی را با آنان در جهت افزایش کیفی و کمی خدمات بیمه‌ای بازار داشته باشند. در چنین بازاری بیمه گر اتکائی به هیچ وجه نیاز به اتکائی اجباری نداشته آزادانه می‌تواند در قراردادهای اتکائی شرکتهای بیمه داخلی مشارکت نماید.

بنابراین از خصوصی شدن می‌توان نتیجه مثبت گرفت. در چنین کشورهایی فرصتهای سرمایه گذاری با حجم مناسبی نیز بدون اعمال مقررات سخت و کنترل دقیق فراهم خواهد شد.

در چنین شرایط و موقعیتی به نفع صنعت بیمه نیست که از ابزار واگذاری اجباری برای نظارت بر صنعت بیمه بهره گرفته شود بیمه گران اتکائی در شرایط یکسانی می‌توانند رقابت نمایند. ضمناً نیازی به انحصار بازار اتکائی نیست می‌توان بازار را به روی سایر بیمه گران اتکائی حتی بیمه گران اتکائی خارجی باز کرد. مشارکت بیمه گران اتکائی خارجی را باید به ۴۹ درصد سهام شرکت محدود کرد تا ضمن حفظ سلامت بازار و ابزار اندازه گیری فعالیت صنعت بیمه عاملی در جهت ایجاد انگیزه بیشتر برای فعالیت مؤسسات بیمه داخلی باشد تا آنها بتوانند به عنوان بیمه گران اتکائی حرفه‌ای در بازارهای بین‌المللی مطرح شوند. برای اجرای چنین سناریونی نباید ایده آلی فکر کرد. بیمه گر اتکائی در چنین سیستمی باید آزادی عمل داشته باشد. در کشوری که با محدودیت منابع ارزی روبروست و ارزش پول ملی در حال کاهش

در ایجاد صندوق اتکائی حالت تشویق و حمایت از بازار داخلی تلقی می‌شود. مواردی نیز هست که دولت تنها راه افزایش ظرفیت بازار را در تشکیل صندوق ملی جستجو کرده و به ایجاد آن مبادرت می‌ورزد. در حالی که صندوقهای ملی اتکائی کلاً موجب افزایش ظرفیت نگهداری و ظرفیت صدور می‌گردد، استفاده از این مکانیزم مختص افزایش نگهداری بازار برای رشته‌هایی است که مشکل ساز هستند. برای مثال صندوق اتکائی اتومبیل کنیا که به اصرار دولت تشکیل شده همچنین در پاکستان شرکتهای دولتی بیمه مصرأ خواهان تشکیل صندوق ملی اتکائی برای بیمه محصولات کشاورزی هستند صندوقی که مؤسسات بیمه خصوصی به هیچ وجه تمایل به تشکیل آن ندارند. برای پوشش بیمه‌ای ریسکهای استثنائی پرخطر و ریسکهای ناشی از حوادث فاجعه‌آمیز طبیعی که یک شرکت بیمه به تنهایی توان و ظرفیت پذیرش آنها را ندارد و یا ریسکهای بسیار بزرگ که دارای ظرفیتهای بالا می‌باشند صندوق‌های بیمه ابزار مناسبی هستند. صندوقهای بیمه چون براساس قانون تعداد زیاد فعالیت می‌کنند در نتیجه بیمه ریسکهایی که از نظر تعداد به اندازه‌ای نیستند که یک شرکت بیمه بتواند پرتفوی مناسبی را از نظر تعداد فراهم نماید به وسیله صندوق‌های بیمه اتکائی امکان پذیر است. همچنین برای آن تعداد از ریسکها که بیمه کردن آنها نیازمند تخصصهای ویژه‌ای است و ارائه آن خدمات برای یک شرکت بیمه غیراقتصادی می‌باشد در صورتی که از طریق صندوق بیمه این عمل اقتصادی است. برای ریسکهایی که جدید هستند و شرکتهای بیمه شناخت فنی کافی از خطرات بالقوه و میزان ریسک پذیری آنها ندارند می‌توانند از تجربیات صندوق‌های بیمه در این زمینه مدد گرفته و در مراحل اولیه چنین ریسکها را در داخل بازار نگهدارند تا کاملاً از نقطه نظر فنی شناخته شده هزینه پوشش (حق بیمه) با توجه به سابقه خسارت

دارای فایده نهائی باشد. اینگونه بازارهای بیمه معمولاً بازارهای رقابتی هستند که در آنها چندین شرکت بیمه از قبل خود را با شرایط و مقررات بازار هماهنگ نموده‌اند و تغییر مالکیت مؤسسات بیمه دولتی باعث وخامت وضع فعالیت آنها نخواهد شد. نباید فراموش کنیم اکثر کشورهای توسعه یافته تجربه خوبی از اقتصاد مختلط دارند. آلمان فدرال نمونه‌ای از آنهاست. این کشور در ارتباط با مالکیت مؤسسات اقتصادی در دست دولت به آن درجه از موفقیت رسیده که می‌توان آن را اعجاز اقتصادی نام نهاد. مؤسسات اقتصادی دولتی در اکثر زمینه‌ها با همان کیفیت، توانائی و کارآئی بخش خصوصی تولید و پیشرفت داشته‌اند. این موضوع بار دیگر ثابت می‌کند که باید به جای اهمیت دادن به مالکیت تأکید روی ساختار اقتصادی باشد. چیزی که آلمانیها آن را سیاست اردو (Ordo) می‌نامند و قانون و مقررات موجود برای پیاده کردن سیستم انتخابی یعنی اهمیت دادن به کارآئی و عملکرد بازار بجای نحوه مالکیت.

### حمایت دولت از صندوقهای ملی

نقش بیمه گر اتکائی دولتی حالتی دستوری برای بازار بیمه کشور دارد و خصوصی کردن بیمه اتکائی این نقش دولت را بر هم زده کنترل اتکائی را از دست دولت خارج می‌سازد. بررسی فدراسیون بیمه برزیل نشان می‌دهد که اعتماد شرکتهای بیمه در چنین شرایطی به طرف تشکیل صندوق اتکائی جلب می‌شود. صندوقهای ملی اتکائی که از طرف دولتها و صنعت بیمه تشکیل می‌گردد موجب می‌شود ظرفیت نگهداری بازار داخل افزایش یافته و به تبع آن ظرفیت صدور شرکتهای بیمه نیز اضافه گردد. واضح است که تشکیل صندوقهای اتکائی کم و بیش در بازارهای رقابتی که چندین شرکت بیمه در آن فعالیت دارند و نقش دولت در اداره صنعت بیمه بطور مستقیم محدود است عملی است. مشارکت دولت

بطور دقیق تعیین گردد.

گردهمآئی و مشارکت در مباحث فنی جهت یافتن روشهای استاندارد اقدام مؤثر دیگری از طرف صندوقهای بیمه است. علیرغم مزایای متعددی که تأسیس صندوقهای بیمه‌ای دارد قادر نیست در بازارهایی که صنعت بیمه آنها دچار بحران بوده و با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است اعجاز نمایند.

صندوقهای بیمه تا حدودی وابستگی به تجارت دارند که متأسفانه کشورهای کوچک در حال توسعه تا حدودی فاقد سیستم مناسبی برای تجارت هستند. اگر صندوقها ظرفیت پذیرش ریسک را در مناطقی که فاقد سوددهی هستند افزایش دهند چنین صندوقهایی تبدیل به مکانیزمی خواهند شد که فقط زیان را در بازار توزیع می نمایند. همانطوری که قبلاً اشاره رفت صندوق بیمه کنیا چنین عملکردی را نشان داده است. خصوصاً اینکه صندوقها موجب تجمع خطر در مناطقی می شوند که خطرات فاجعه آمیز شدیداً چنین مناطق را تهدید می کند. نتیجه‌ای که از تحقیقات و مطالعات آنکتاد بدست آمده نشان می دهد با حضور صندوقهای بیمه‌ای امکان اینکه کل بازار داخلی شدیداً تحت تأثیر خطرات فاجعه آمیز قرار گرفته و آسیب ببینند وجود دارد. بنابراین تأمین پوشش اتکائی برای حجم نگهداری بازار داخلی در چنین شرایطی ضروری خواهد بود. از طرف دیگر تأمین پوشش اتکائی از بازارهای بین‌المللی به دلیل گران بودن پوشش آسان نیست. همچنین یک سری عوامل روانی که نقش بسیار اساسی در موفقیت صندوقهای بیمه‌ای بازی می کنند و گذاری به صندوق یک عمل اخلاقی به شمار می آید که موجب می شود شرکتهای بیمه قسمتی از عملیات سودآور خود را به صندوقها واگذار نمایند. در حالی که برای بازارهای بیمه جوان مدت زمانی لازم است که این امر در آن جا بیفتد. این حقیقت نیز وجود دارد که در بازارهای بیمه‌ای کوچک اعضاء صندوق نسبت به رقبای خود حساس بوده و اغلب نیز

صندوقهای بیمه همچنین برای خطرات فاجعه آمیز طبیعی تأسیس می گردند و کارآئی نسبتاً خوبی در این رشته دارند. برای بهبود ساختار پرتفوی بیمه‌ای و استفاده تکنیکی و تجربی از بازارهای مورد نظر برای شرکتهای بیمه داخلی صندوقها بهترین وسیله هستند که درجه ایمنی مشارکت آنها را در بازارهای مختلف افزایش دهند. بدون وجود صندوقهای بیمه‌ای مؤسسات بیمه داخلی اجباراً باید برای رفع نیازهای خود دست به دامان بازارهای اتکائی شوند. مکانیزم صندوق بیمه برای آن تعداد از کشورهای جهان سوم که با کمبود ظرفیت بازارهای جهانی مواجه می گردند نیز دارای مزیتی است. بیمه گران مستقیم اغلب از کمبود ظرفیت بازار که به تبع آن هزینه پوشش‌های اتکائی مورد نیاز آنها را افزایش می دهد شکایت دارند. صندوق بیمه‌ای وسیله‌ای است که قادر می باشد پوشش‌های اتکائی مورد نیاز مؤسسات بیمه داخلی را با قیمت مناسب در اختیار آنها قرار دهد. علاوه بر محاسنی که صندوقهای بیمه‌ای در جهت افزایش ظرفیت بازار و کاهش حق بیمه‌های اتکائی دارند نظم را برای بازار به ارمغان آورده و شرکتهای بیمه را در جهت ایجاد هماهنگی برای تعیین نرخ و شرایط قراردادها و نحوه فعالیت در بازار تشویق می نمایند. شرکتهای بیمه مجبور هستند اطلاعات و آمارهای مناسبی را برای عملیاتی که به صندوق واگذار می شود تهیه کرده، تکنیکها و روشهای مدیریت ریسک خود را بهبود و توسعه بخشند که می تواند قدم مثبتی تلقی شود. صندوقها حتی بازوی پرتوان فنی می باشند. برای شرکتهای تازه تأسیس یافته و شرکتهایی که در آغاز فعالیت در رشته‌های خاصی هستند که تجربه کافی در آن زمینه ندارند صندوقهای بیمه تجربه نحوه صدور و پرداخت خسارت بخصوص در رشته‌های دشوار و پیچیده را در اختیار آنها قرار می دهند. ایجاد جو اعتماد در بازار بیمه از طریق

اتکائی کاهش هزینه‌ها بشمار می‌آیند. تأسیس صندوقهای منطقه‌ای حجم همکاری بین شرکت‌های بیمه مستقیم و اتکائی را تقویت کرده و زمینه مناسبی در جهت استفاده هر چه بهتر از سیستم‌های مدیریت ریسک و کاهش پتانسیل خسارت فراهم می‌نماید.

همانند صندوقهای بیمه ملی فعالیت صندوقهای منطقه‌ای نیز تسهیلاتی را برای کسب اطلاعات لازم برای ریسکهای منطقه و توزیع این اطلاعات برای اعضاء فراهم می‌آورد.

به منظور اطمینان از موفقیت صندوقهای اتکائی توصیه می‌گردد که حوزه فعالیت آنها محدود به مناطقی شود که شرایط و خصوصیات بازارهای آن منطقه متجانس و کم و بیش مشابه هستند. کشورهای عضو صندوقهای اتکائی اگر همکاریهای دیگر اقتصادی داشته باشند، فعالیت آنها سهل و آسان خواهد بود. اغلب صندوقهای بیمه اتکائی موجود در بازارهای جهانی منطقه‌ای هستند ولی بهر حال صندوقهایی نیز وجود دارند که در سطح بین‌المللی بوده و اعضاء آنها از اقصی نقاط جهان می‌باشند مثل صندوق اتکائی آسیائی و آفریقائی فیر (FAIR) برای ارزیابی نتایج حاصله از فعالیتهای صندوقهای اتکائی منطقه از دو جنبه باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد. اولین جنبه آن نحوه عملکرد صندوق می‌باشد که آیا کمیت و کیفیت خدمات صندوق از ثبات و سوددهی معقول برخوردار بود و به نحو مطلوب اداره می‌شود. سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود اینست که کلاً آیا فعالیت صندوق منتهی به این می‌شود که جریان خروج ارز بابت پوششهای بیمه اتکائی کاهش یابد یا نه و آیا نقش مؤثری در کل اقتصاد منطقه داشته و موجب تقویت و ثبات بازار بیمه منطقه می‌شود یا نه. در مجموع عملکرد صندوقهای اتکائی منطقه مثبت ارزیابی می‌شود آنها نه تنها قادر بوده‌اند که مشکلات اوایل شروع فعالیت خود را پشت سر گذاشته و تجربیات ارزنده‌ای را بیاندوزند بلکه

مرکز اصلی شرکت در پایتخت می‌باشد و این مسئله نیز به عنوان عامل بازدارنده فعالیت صندوقهای بیمه اتکائی است.

### صندوقهای منطقه‌ای

به دلیل محدودیتهای صندوقهای بیمه‌ای در بازارهای بیمه داخلی، دولتها به فکر تأسیس صندوقهای بیمه با همکاری کشورهای منطقه هستند. صندوقهای منطقه‌ای راه‌حل مناسبی برای جلوگیری از بحران صندوقهای داخلی و افزایش ظرفیت منطقه با استفاده از این مکانیزم است. صندوقهای بیمه‌ای بر مشکلات بازارهای کوچک کشورهای در حال توسعه که عمده شرکت‌های بیمه در مرکز کشور تجمع کرده و برای تعداد محدود ریسکها با هم به رقابت می‌پردازند فائق شده و بازار منطقه را به روی آنان می‌گشاید. و بهترین وسیله در جهت توزیع مجدد ریسکهای منطقه به شمار می‌آید.

صندوقهای منطقه‌ای ساختار پرتفوی بازار را متحول کرده ضریب ایمنی بازار را افزایش می‌دهد. همچنین به سادگی می‌توانند از تجمع خطر در مناطقی که مورد تهدید تراکم ریسک است جلوگیری نمایند. از آنجائی که عملیات بیمه اتکائی کشورهای در حال توسعه عمدتاً سودآور می‌باشد با تشکیل صندوقهای منطقه حجم نگهداری منطقه افزایش می‌یابد مشکلات بازارهای کوچک نیز برطرف می‌شود. حمایت دولتها از این صندوقها نه تنها اعتبار ویژه‌ای به آنها داده و موجب تقویت آنها شده بلکه امیدواری زیادی وجود دارد که آنها بتوانند نقش ارزنده و مفیدی را در جهت اعتلای صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه ایفا نمایند. صندوقهای منطقه علاوه بر افزایش ظرفیت نگهداری کشورهای عضو که به تبع آن میزان خروج ارز بابت پوششهای اتکائی که از مشکلات حاد کشورهای در حال توسعه می‌باشد به میزان قابل توجهی کاهش یافته و کمک مؤثری نیز در تهیه برنامه‌های جامع بیمه

حجم فعالیت خود را در منطقه مربوطه بطور چشمگیری افزایش داده‌اند علاوه بر این صندوقهای اتکنائی پل ارتباطی هستند بین بیمه‌گران کشورهای مختلف در جهت حرفه‌ای کردن صنعت بیمه منطقه و افزایش همکاری و مبادله تجربیات و اطلاعات فنی و تربیت کادر متخصص و ماهر مورد نیاز منطقه از طریق برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی. جواب این سؤال که آیا صندوقهای اتکنائی منجر به ابداع روشهایی در جهت افزایش ظرفیت نگهداری تک تک کشورهای عضو منطقه شده است یا نه شاید مشکل باشد. مطمئناً وجود صندوقهای اتکنائی منطقه‌ای اثرات مثبتی در جهت کاهش خروج حق بیمه‌های اتکنائی به خارج از منطقه در مقایسه با مناطقی که فاقد چنین صندوقهایی هستند داشته است ولی بهر حال در جهت افزایش ظرفیت نگهداری منطقه اهداف اولیه‌ای که انتظار می‌رفت بطور کامل تحقق نیافته است.

مشکل است که آمار و اطلاعات دقیقی در این رابطه ارائه داد ولی آقای یوسف آصف‌آ (Yoseph Aseffa) وزیر اجرایی سازمان بیمه آفریقا اطلاعاتی را در این زمینه جمع‌آوری کرده است. براساس آمار ثبت شده سهم صندوقهای اتکنائی از عملیات بیمه اتکنائی آفریقا به یک درصد حق بیمه‌های واگذاری به خارج بابت تأمین پوشش‌های بیمه اتکنائی نیز نمی‌رسد. آقای آصف‌آ خاطر نشان می‌سازد که با توجه به تجربه درخشان این صندوقهای که سود قابل ملاحظه‌ای از فعالیتهای خود نشان می‌دهند و ضریب خسارت آنها در حدی است که رقابت و حسادت بیمه‌گران اتکنائی بین‌المللی را برانگیخته است، می‌توانند نقش بسیار مؤثری را در جهت رفع نیاز اتکنائی بازارهای آفریقا داشته باشند. از نظر تنوری با توجه به سودآوری بالای بازار اتکنائی کل آفریقا صندوقهای اتکنائی پتانسیل لازم را جهت بسط و توسعه همکاری با صنعت بیمه کشورهای منطقه آفریقا را دارند.

بنظر می‌رسد که اعضاء صندوقهای اتکنائی باور کمتری به موفقیت صندوقهای بیمه اتکنائی دارند و به آن به عنوان ابزار مناسب جهت گسترش همکاریهای منطقه با شک و تردید می‌نگرند و دلایلی به شرح زیر را در این باره اظهار می‌دارند:

- عدم اعتماد اعضاء صندوق به قدرت و توان مالی، تکنیکی و مدیریتی یکدیگر که باعث می‌شود از پیوستن به صندوق و بسط و گسترش همکاری متقابل خودداری نمایند.

- مشکل کنترل خروج ارز و تأخیر در پرداخت حسابهای مانده بدهی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه موجب شده است اغلب شرکتهای بیمه ترجیح دهند که با بیمه‌گران بین‌المللی همکاری نمایند تا با صندوقهای منطقه و اولویت اول را به بیمه‌گران خارج داده‌اند.

- عدم موفقیت مدیریت صندوقهای اتکنائی در جهت کسب اطلاعات و آمارهای فنی و ایجاد بانک اطلاعات به منظور استفاده اعضاء از آن.

- عدم توانائی کافی صندوقها در جهت ارائه کمک در زمینه‌های فنی، تعیین نرخ، ارزیابی و پرداخت خسارت در سطحی که بیمه‌گران اتکنائی حرفه‌ای آن را انجام می‌دهند.

- ایجاد و حفظ و نگهداری ارتباط شرکتهای بیمه کشورهای توسعه یافته با صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه که اغلب با ملاقات و دیدارهای دوره‌ای از ابزارهای سودآور و ظرفیت بالا که این سطح همکاری همیشه حفظ می‌شود و صندوقهای اتکنائی کمتر توفیق این را بدست می‌آورند که توجه این بازارها را به طرف خود جلب نمایند.

- وابستگی شدید و ارتباط تنگاتنگ بیمه‌گران کشورهای در حال توسعه به بیمه‌گران کشورهای توسعه یافته از طریق دلان و واسطه‌ها که میزان علاقمندی بیمه‌گران کشورهای در حال توسعه به واگذاری عملیات اتکنائی به بیمه‌گران اتکنائی کشورهای پیشرفته را نشان می‌دهد.

- عدم آشنائی بیمه‌گران مستقیم از

بعضی از اعضا برای اینکه بقیه اعضا مسئولیت تضامنی برای اجرای تعهدات صندوق دارند، مگر اینکه صندوق در این زمینه اقدام به تهیه پوشش اتکائی کند که چنین پوششهایی بسیار گران خواهد بود.

دور زنجیره ای مشکلات باعث پیچیده شدن موضوع شده است. آنکتاد پس از مطالعه سال ۱۹۸۰ به این امر واقف شد که اعضا به دلیل عدم اعتماد و اعتقاد به ایجاد صندوق میزان همکاری خود را با آن در سطح پائینی نگهداشته و حجم کوچکی از عملیات اتکائی خود را به آن واگذار می نمایند. از طرف دیگر واگذاری اندک اعضا صندوق و محدود بودن حوزه فعالیت آن موجب شده که اعضا نتوانند در رفع نیازهای جدی اتکائی خود به صندوق به عنوان راه حل مناسب اتکاء داشته و از فعالیت آن راضی باشند و صندوق نیز به نوبه خود قادر نیست که سرویس قابل قبولی را در واگذاری ریسک و کاهش هزینه های اداری در اختیار اعضا قرار دهد ستوالی که اینجا مطرح می شود اینست که آیا وقت آن نرسیده که دولت ها و صنعت بیمه کشورها عملکرد صندوقهای اتکائی منطقه ای را مورد بررسی قرار دهد تا آنها را که نتوانسته اند جایگاه حرفه ای خود را در منطقه پیدا کرده و در رفع نیاز اتکائی آن بازاری پرتوانی برای منطقه باشند منحل شوند. آن تعداد از صندوق های باقیمانده در کشورهای در حال توسعه که نتوانسته اند به نحو شایسته ای نقش خود را ایفا نمایند با صندوقهای مشابه در اروپا زمینه های همکاری را فراهم نموده و از تسهیلات بازارهای بین المللی بهره مند شوند. این عمل نه تنها زمینه مناسبی را در توزیع جهانی ریسک پدید می آورد بلکه اقدام مناسبی در جهت استفاده از تجربیات سایر بازارهای جهانی است. اعضا کشورهای توسعه یافته نیز باید این باور را داشته باشند که همکاری با صندوقهای کشورهای در حال توسعه که سابقه خوب و ضریب خسارت پائینی دارند می توانند از نظر اطلاعاتی و تکنیکی

بحرانهای سیاسی و اقتصادی برخی از کشورهای در حال توسعه که موجب می گردد از بیمه گران با تجربه بازارهای جهانی درخواست نمایند که در امر بیمه اتکائی به آنان کمک نمایند.

- مشکلات ناشی از برقراری ارتباط از طریق تلفن، تلکس و فاکس با بعضی از کشورهای جهان سوم.

مطالعات و تحقیقات آنکتاد در سال ۱۹۸۰ دلایل دیگری را برای عدم تمایل بیمه گران کشورهای در حال توسعه به ایجاد صندوقهای اتکائی منطقه ای نشان می دهد که اهم آنها عبارتست از:

- نوع ریسکهائی که به صندوقهای منطقه ای واگذار می شود نشان دهنده نیاز واقعی اعضا نیست.

- ظرفیت پذیرش صندوقهای اتکائی در مقایسه با امکان حداکثر میزان خسارت وارده بر هر ریسک بسیار پائین است.

- انتخابی بودن ریسک های قابل پذیرش و حوزه جغرافیائی فعالیت صندوقهای بیمه اتکائی منطقه ای به نحوی است که مانع از واگذاری به صورت مجموعه از طرف اعضا به صندوق می باشد.

- عدم قبولی اختیاری صندوق ها موجب می شود که اعضا نتوانند در صورت نیاز از این ابزار استفاده نمایند (اخیراً برخی از صندوقهای بیمه اتکائی اقدام به قبولی بیمه اتکائی اختیاری کرده اند).

- واگذاری اتکائی به تعداد بی شمار بیمه گران و صندوق های اتکائی و تقسیم شدن آنها به درصدهای کوچک مانع بزرگی برای تنظیم یک برنامه اتکائی عقلانی و جامع که موجب افزایش هزینه های اداری است.

- عدم تمایل به مشارکت شرکتهای عضو در توزیع مجدد بیمه های اتکائی به دلیل عدم شناخت از بازار کشورهای واگذارنده.

- نگرانی و ترس از ورشکستگی و اعسار



فوق‌الذکر با اهداف تجاری بدون کمک دولت‌های متبوع خود تأسیس شدند. آنها واگذاری اتکائی از شرکت‌های کشورهای عضو قبول کرده و مازاد بر سهم نگهداری را بین اعضاء به نسبت تقسیم می‌نمایند. آنها با جذب حمایت اعضاء و ایجاد اطمینان در سطح قاره مربوطه کسب اعتبار و قدرت نموده‌اند.

از شرکت بیمه اتکائی آسیا (Asian Re) انتظار می‌رفت که نه تنها حجم قابل توجهی از مازاد اتکائی منطقه را که قبل از تأسیس این شرکت به میزان زیادی وارد بازارهای بین‌المللی می‌گردید پذیرفته و مرکز مهم بیمه اتکائی منطقه شود. بلکه نقش مؤثری در بازارهای جهانی داشته باشد. پیش‌بینی می‌شد که کلیه دولتهای منطقه آسیا (ESCAP) اعضاء این صندوق باشند. تعداد این کشورها بالغ بر ۳۹ کشور بوده که هر عضو باید مبلغ  $50,000,000$  دلار به عنوان سهم‌الشرکه می‌پرداختند که جمعاً شرکت با سرمایه  $19/8$  میلیون دلار شروع به فعالیت کند. متأسفانه برعکس انتظاری که می‌رفت در عمل تنها ۹ کشور عضویت این شرکت را پذیرفته و شرکت بیمه اتکائی تازه تأسیس آسیا فقط با  $4/5$  میلیون دلار سرمایه کار خود را شروع نمود که خیلی کمتر از برآورد اولیه می‌باشد. براساس موافقت‌نامه نه عضو مؤسس این شرکت برای هر گونه تغییری در ساختار و اساسنامه شرکت باید موافقت تک‌تک دولتهای عضو جلب شود و بعضاً پارلمان این کشورها هست که باید تصمیم بگیرد. در مقررات تأسیس این شرکت انعطاف‌پذیری بیشتری منظور نشده است. برای مثال مقرراتی پیش‌بینی شده که هر گاه یکی از اعضاء در مدت مقرر نظر خود را در مورد تصمیمات این شرکت اعلام ننموده و سکوت نماید عضویت خود را در شرکت از دست می‌دهد. از نقطه نظر بازرگانی شرکت بیمه اتکائی آسیا (ASIAN Re) وظیفه خود را خوب انجام داده و توانسته است حجم درآمد حق بیمه خود را به مقدار متناهی افزایش داده ذخایر آزاد و ذخایر فنی خود را زیاد نموده و موجب تقویت

کمکهای مؤثری برای آنها باشند. امتیاز دیگر همکاری با صندوق‌های کشورهای توسعه یافته ایجاد اعتبار متقابل برای طرفین است.

### شرکتهای بیمه اتکائی منطقه‌ای

صندوقهای بیمه اتکائی می‌توانند قدم اول تأسیس شرکت بیمه اتکائی منطقه‌ای باشند همانطور که در مورد شرکت بیمه اتکائی آسیا عمل شد (Asian Re) حتی صندوق‌های اتکائی منطقه‌ای می‌توانند در کنار یک شرکت بیمه اتکائی به فعالیت خود ادامه دهند. دولتها تأسیس شرکت بیمه اتکائی منطقه‌ای را در سطح پیشرفته آن از مدت‌ها قبل مورد بررسی قرار داده‌اند فلسفه تأسیس و نحوه فعالیت آن همان است که برای ایجاد شرکتهای بیمه اتکائی ملی و صندوقهای اتکائی منطقه‌ای بیان شد. هدف اصلی از تأسیس شرکت بیمه اتکائی منطقه نیز بالا بردن ظرفیت اتکائی منطقه و نگهداری هر چه بیشتر ریسکها در داخل منطقه و توزیع مجدد عملیات اتکائی بین شرکتهای عضو است. پیش‌بینی حجم حق بیمه‌ای که از منطقه نصیب این شرکتها می‌شود در سطح پائینی است و اگر آنها قادر نباشند حجم فعالیت خود را به سطح قابل قبولی برسانند هزینه‌های اداری آنها بسیار بالا خواهد رفت شرکتهای بیمه اتکائی منطقه‌ای برای آن تعداد از کشورهای کوچک آفریقائی که از نظر توسعه اقتصادی در شرایطی قرار ندارند که بتوان در آن کشورها یک شرکت بیمه اتکائی ملی تأسیس نمود مناسب است. امتیاز دیگر این شرکتها این است که با کسب تجربه و به مدد مهارت‌های تکنیکی خود می‌توانند با مؤسسات اتکائی بازارهای جهانی همکاری نمایند. همچنین می‌توانند فرصتهای سرمایه‌گذاری منطقه را شناسائی نمایند. کاری که برای تک‌تک شرکتهای منطقه امکان‌پذیر نیست. ضمناً می‌توانند در تربیت نیرو متخصص و ماهر مورد نیاز بازار منطقه با ایجاد دوره‌های آموزشی و کارآموزی اقدام کنند. با چنین ملاحظاتی بود که در اواخر سال ۱۹۷۰ شرکتهای بیمه اتکائی آسیا و آفریقا تأسیس شد. هر دو شرکت

احساس در میان بیمه گران اتکنائی منطقه آسیا وجود دارد که آنها سویسید خسارت به کشورهای توسعه یافته می پردازند برای اینکه بیمه گران اتکنائی این کشورها حق بیمه ای را طلب می نمایند که بر اساس پتانسیل بالای خسارت مناطق مربوط به خود آنها تعیین می شود. در صورتی که پتانسیل خسارت منطقه آسیا پائین تر از این مناطق می باشد. از آنجائی که دلایل عمده عدم موفقیت شرکت بیمه اتکنائی آسیا خارجی است یعنی عدم پذیرش ریسک به میزان کافی و عدم انعطاف پذیری و ضعف ساختار عملیاتی است، با توجه به پتانسیل بازار باید راه حل مناسب پیدا کرد. تشویق تعداد بیشتر دولتها برای مشارکت ما را به هدف اصلی هدایت نمی کند. راه حل اساسی افزایش سرمایه شرکت ها و تقویت بنیه مالی آنهاست که بتوانند از کارهای خوب بیمه اتکنائی کشورهای منطقه بیشتر پذیرفته و بتوانند با بیمه گران اتکنائی بازارهای جهانی رقابت نمایند. در مورد شرکت بیمه اتکنائی آفریقائی (African Re) حمایت از این شرکت افتخارآمیز بود. ۳۲ کشور با شور و شوق بدان پیوستند. این همبستگی بیشتر برای بیان احساس سیاسی به منظور استقلال بیمه ای منطقه به شمار می رود. از نظر تئوری زمینه فعالیت شرکت بیمه اتکنائی آفریقائی در مقایسه با شرکت بیمه اتکنائی آسیائی گسترده تر و از نظر توزیع ریسک بهتر بود. ولی پتانسیل رشد کشورهای آفریقا به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای آسیائی نیست بازار بیمه کشورهای آفریقائی بسیار کوچک و از نظر مشارکت شرکتها در بازار بیمه عدم تعادل چشمگیری مشاهده می شود اینها عواملی هستند که بسیاری از مزایای حمایت گسترده از این شرکت را خنثی می نمایند. در عمل یکی از ضعفهای عمده این است که واگذاری اتکنائی اجباری به شرکت بیمه اتکنائی آفریقائی (African Re) شامل واگذاری های اختیاری نمی شود. وجود این نقص موجب شده که شرکت های بیمه ظرفیت قراردادهای اتکنائی خود را که باید بخشی از آن را اجباراً به این شرکت واگذار نماید در حد پائین تعیین کرده و

بنیه مالی شرکت شود و از نظر فنی صاحب تجربه و اندیشه گردد. این شرکت همچنن خدمات ارزنده ای را در زمینه ساختار تشکیلاتی و آموزش نیروهای متخصص مورد نیاز منطقه به اعضاء شرکت ارائه کرده است. میزان نگهداری شرکت نیز قابل توجه بوده و بالغ بر ۴۹/۷ درصد در سال ۱۹۸۹ بوده است. در همان سال میزان نگهداری شرکت بیمه اتکنائی تائی (Thai Re) ۴۱/۳ درصد شرکت بیمه اتکنائی سنگاپور (Singapore Re) ۵۵/۳ درصد و شرکت بیمه اتکنائی کره (Korean Re) ۵۵/۸ درصد بوده است. از ۵۰ درصد باقیمانده مازاد بر سهم نگهداری شرکت بیمه اتکنائی آسیا تقریباً ۳۹ درصد آن به صورت توزیع مجدد بین اعضاء شرکت تقسیم شده. بنابراین می توان گفت که شرکت بیمه اتکنائی آسیا در توزیع مجدد حجم عمده ای از حق بیمه و نگهداری آن در منطقه موفق بوده است.

برای افزایش میزان نگهداری منطقه عنصر سرمایه یکی از مهمترین عناصر است شرکت نباید غافل از امکانات بالقوه بازار بیمه آسیا باشد. تعداد ریسکهای روبه افزایش و گسترش این ریسکها از نظر جغرافیائی به دنبال جهش فعالیت های اقتصادی منطقه زمینه رشد را برای بیمه گران اتکنائی که از نظر سرمایه مجهز باشند را فراهم نموده است. مشهور است که بازار اتکنائی کشورهای آسیائی در مقایسه با سایر مناطق به مراتب از نظر کیفیت بهتر و پیشرفته تر است. با توجه به این حقیقت که بازار بیمه منطقه آسیا هیچ گونه مشکل جدی برای پرداخت بدهی ها ندارد جذابیت بازار بیشتر نیز می شود. علاقه و توجه بیمه گران اتکنائی بین المللی به این بازار این موضوع را ثابت می کند. دلیل عدم موفقیت بیمه گران اتکنائی این منطقه در تقویت بنیه مالی از نقطه نظر سرمایه و تجهیز شرکتها از نظر فنی آن است که مقدار بسیار کمی از عملیات اتکنائی سودآور در داخل منطقه نگهداری می شود در عوض مبالغ هنگفتی صرف خرید پوشش های اتکنائی از کشورهای توسعه یافته می گردد در حالیکه شاید نیاز نباشد و قسمت اعظم آنها را می توان در منطقه نگه داشت. بطور عموم این

(Re) با آن مواجه است در سال ۱۹۸۹ میزان حق بیمه قبولی این شرکت ۳۲/۷ میلیون دلار بوده که از این میزان مقدار ۲۹/۱ میلیون دلار آن توسط خود شرکت نگهداری شده است. بدون شک می توان گفت که اگر این شرکت وجود نداشت قسمت اعظم این حق بیمه برای اخذ پوشش های اتکائی وارد بازارهای جهانی می گردید. این نکته نیز نباید فراموش شود که شرکت بیمه اتکائی آفریقائی (African Re) قدمهای مؤثر و مفیدی را در جهت حل مشکلات کل بازار بیمه آفریقا برداشته و موفق گردیده که بسیاری از این مشکلات را که سدی برای تقویت همکاری های درون منطقه بشمار می آمد برطرف نماید. احساس همکاری مشترک و اعتماد به نفس ارمغان اندیشه های خردمندانه این شرکت بوده و نباید ارزیابی فعالیت این شرکت کم بها جلوه نماید زیرا اثرات بسیار باارزشی در درازمدت برای صنعت بیمه منطقه آفریقا خواهد داشت. جالب توجه است که اشاره شود در قاره آمریکای لاتین هیچ شرکت بیمه اتکائی منطقه ای وجود ندارد. یکی از دلایل عمده آن توسعه نسبی تعدادی از کشورهای این منطقه مانند برزیل، آرژانتین، شیلی، مکزیک، پرو و ونزوئلا است که این کشورها خود قادرند قسمت اعظم حق بیمه های صادره خود را در داخل کشور نگهدارند و میزان نگهداری آنها نیز همچنان در حال افزایش بوده و در حقیقت احساس نیازی برای تأسیس شرکت بیمه اتکائی منطقه ای وجود ندارد. کشورهای کوچک منطقه نیز تصورشان بر این است که قادر نیستند به تنهایی مبادرت به ایجاد چنین شرکتی کرده و آنرا اداره نمایند.

#### نتیجه

می توان گفت بعد از ۲۵ سال تلاش بدون وقفه دولت و صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه به منظور افزایش میزان نگهداری و ظرفیت بازار و بهبود نتایج فعالیت بازار به اهداف اصلی دست نیافته اند. در بررسی ریشه ای فعالیت صنعت بیمه و تلاش دولتها در این ارتباط درمی یابیم که کلیه

قسمت عمده عملیات خود را به صورت اتکائی اختیاری به بازارهای جهانی سرازیر نمایند. بطور کلی این شرکت تحت تأثیر بیماری و نارسائی های متداول بازار بیمه آفریقا قرار دارد. این شرکت از کاهش ارزش پول کشورهای آفریقائی رنج می برد و از نظر تکنیکی با تجربه و تحقیقات نمی تواند خود را با بیمه گران اتکائی پرسابقه هماهنگ کند. همچنین عوامل روانی شناخته شده نیز نقشی در ساختار این بازار ایفا می کنند. بیمه گران اتکائی آفریقا به این نکته پی برده اند که شرکتهای بیمه واگذارنده آفریقا ترجیح می دهند که به جای همکاری داخل منطقه ای با بیمه گران بین المللی ارتباط داشته باشند. این شرکتهای هیچوقت به بیمه گران اتکائی آفریقائی خصوصیات ریسکهای مورد پوشش را اطلاع نمی دهند و بعضاً آنها آخرین کسانی هستند که از اینگونه اطلاعات باخبر می شوند در حالی که بیمه گران بین المللی به سهولت به این اطلاعات دسترسی دارند. البته بدون اینکه لازم به ذکر باشد آفریقا مشکل جدی در زمینه ارتباطات دارد ولی اینجا صحبت از سکوت عمدی است. صورتحساب طرف های آفریقائی خیلی دیر ارسال می شود و در مورد پرداخت نیز آخرین شرکتهای هستند و اولویت با بیمه گران اتکائی بین المللی است. آقای آصفا از اینکه مشاهده می کنند شرکتهای آفریقائی تمایل ندارند که با همدیگر همکاری نمایند و بیمه گران اتکائی آفریقائی در آخر لیست برای پرداخت ها قرار دارند عصبانی است. بدین منظور است که اکثراً بیمه گران اتکائی آفریقائی تمایل ندارند که از درون منطقه کار بپذیرند نه بخاطر مشکلات پرداخت و عدم دریافت حق بیمه به موقع بلکه این موضوع می تواند یک امر طبیعی قلمداد شود ولی همانطوری که آقای آصفا خاطر نشان می سازد با بیمه گران اتکائی آفریقائی نیز همانند شرکتهای اتکائی بین المللی رفتار شود پرداخت آنها نه زودتر و نه دیرتر انجام پذیرد بلکه همزمان با سایر بیمه گران بازارهای جهانی باشد. بهر حال علیرغم مشکلات عدیده ای که شرکت بیمه اتکائی آفریقا (African

تلاشها یکطرفه بوده بدون در نظر گرفتن کلیه عوامل مؤثر، بازارهای با دخالت بسیار قوی دولت نتیجه درخشانی نداشته‌اند اما بازارهای آزاد هم بهتر عمل نکرده‌اند کلیه اقدامات به منظور بهبود شرایط بازار از طرف دولت یا بخش خصوصی منجر به نتیجه رضایت بخشی نشده است. علیرغم نهایت تلاش مداوم و پی گیری متخصصین صنعت بیمه کشورهای جهان سوم و بررسی مشکلات از نقطه نظر فنی منجر به نتیجه مفیدی نشده است نتیجه اینکه کلیه اقدامات در جهت حل ریشه‌ای این مشکلات بدون در نظر گرفتن ساختار اقتصادی و اجتماعی از یک طرف و ساختار بازار بیمه کشورهای در حال توسعه امکان پذیر نخواهد بود. اشتباه است که تصور نمائیم مشکلات فنی تنها مشکل کشورهای در حال توسعه می باشد که با برطرف این مشکلات صنعت بیمه این کشورها راه توسعه را در پیش خواهد گرفت. تاکنون صنعت بیمه تلاش اندکی را در جهت شناخت مشکلات ریشه‌ای که منجر به عدم تعادل بازار می شود. همانطوری که در اول مقاله اشاره گردید مشکل اصلی در ارتباط تنگاتنگ بیمه با اقتصاد مدرن است. تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه اکنون به این فکر افتاده‌اند که با همکاری و کمک دوستان خارجی اقتصاد سنتی خود را زنده کنند. اقتصاد سنتی این کشورها شامل تولیدات کشاورزی و صنایع کوچک است که می تواند جوابگوی تقاضای بخش وسیعی از گروههای پائین جامعه با کالاهای تولید داخلی باشد. صنعت بیمه نیز باید به آنها بپیوندد و نیاز بیمه‌ای تولید کنندگان داخلی را بر طرف نماید. بسط ارائه پوشش های بیمه‌ای مورد نیاز بازار موجب شکوفائی و پیشرفت بازار بیمه خواهد بود. از آنجائی که اینگونه ریسکها ساده بوده و فاقد هرگونه پیچیدگی خاص ریسکهای صنعتی و تکنولوژی بالا است بنابراین بازار داخلی بدون نیاز به ارز خارجی قادر است خسارتهای را تحمل نماید. این حرکت تعادل را به پرتفوی بیمه بازار برمی گرداند. البته استفاده از این پتانسیل دشوار است ولی غیرممکن نیست. به تلاش دراز مدت نیاز

است ولی ارزشمند خواهد بود. نباید فراموش شود که حتی کشورهایی که از نظر بیمه اتکائی در بازارهای جهانی قوی بوده و مطرح هستند در درجه اول اولویت را به بیمه اتکائی ریسکهای بازار داخلی می دهند. در حالیکه دولتها تدارک وسیعی را برای حمایت از بازار بیمه داخلی می بینند ولی در عمل چنین نمی باشد. دولت های کشورهای در حال توسعه روزانه تحت فشار اولویت های قرار دارند که مشکل می توانند به امر بیمه پردازند. در این زمینه صنعت بیمه این کشورها نیز بی تقصیر نیستند. برای اینکه هیچوقت سعی نمی کنند که مشکلات اساسی خود را به دولت ها تفهیم نمایند. برای مثال ارز مورد نیاز آنها با تأخیر پرداخت می شود در حالیکه می توانند به دولت تفهیم نمایند که برای حفظ ثروت و دارائی های ملی صنعت بیمه نیاز به اینگونه ارز دارد. البته برخی از دولتها شناخت کافی از نیازها و مشکلات صنعت بیمه بازار داخلی دارند. من احساس می کنم که همه ما از شکست سی ساله تلاش برای بهبود فعالیت صنعت بیمه چیزهایی آموخته ایم. تجربه ثابت کرد که این اقدامات اشتباه بوده است. حمایت دولت این تجربه تلخ را نشان می دهد که صنعت بیمه یک ماشین نیست که بتواند همه چیز را درست جواب دهد و همانطور لزوماً دلیلی برای اینکه چرا اشتباه شده نیست. انتظار هر چیزی در کوتاه مدت از دولت منجر به دخالت دولت است که نتیجه آن مشخص می باشد. باید در ذهن خود بگنجانیم که بیمه خدمتگذار تجارت است نه آقای آن. اقتصادی که نتواند اعتماد به نفس کافی در تجارت بوجود آورد در ایجاد اعتماد به نفس در امر بیمه دچار مشکل خواهد شد. مفهوم ایجاد همکاری های منطقه‌ای در گروی تشکیل کنفرانس های سطح عالی سیاسی و توسعه و پیشرفت نبوده و منجر به ایجاد صنعت بیمه قوی در منطقه نخواهد شد. بیمه فقط می تواند یک قدم جلوتر از پیشرفت کلی باشد نه دو قدم بنابراین برای تلاش یک قدم جلوتر باید بیمه اهمیت و اولویت را به مشارکت ملتها و منطقه‌ای که به آن خدمت می نماید بدهد تا موفق شود.

# نقش کامپیوتر در تبادل اطلاعات بیمه‌ای

ترجمه: حسن حقیقی

اولاً فرستنده داده‌ها نیازی به چاپ و لیست‌گیری از اطلاعات مورد نیاز شرکت دیگر نداشته باشد و ثانیاً گیرنده نیازی به جمع‌آوری مجدد داده‌ها، به منظور پردازش‌های لازم بر روی آنها ندارد. و به این ترتیب به میزان قابل توجهی در زمان صرفه‌جویی نمایند.

در زیر به برنامه صنعت بیمه کره جنوبی را به منظور دستیابی به یک شبکه یکپارچه کامپیوتری از نظر می‌گذرانید.

اوایل امسال وزارت دارائی کره متعهد گردید که به عنوان بخشی از برنامه پنج ساله‌اش برای ایجاد یک شبکه کامپیوتری بیمه، تمام سازمانهای بیمه‌ای را به یکدیگر مرتبط سازد و در نهایت، سایر مؤسسات مالی نظیر بانکها را، به این شبکه متصل نماید.

براین اساس کمیته فرعی بیمه‌ای ایجاد شبکه کامپیوتری در ماه اوت گذشته طرح کلی این شبکه را ترسیم نمود و مؤسسه توسعه بیمه کره، KIDI<sup>۱</sup>، را به عنوان مسئول اجرای این طرح برگزید.

هدف کلی از این طرح چنین است، گردآوری و ضبط تمام اطلاعات بیمه‌ای که مشترکاً مورد نیاز هر بیمه‌گر با مؤسسه بیمه‌ای می‌باشد، در بانک اطلاعاتی KIDI و امکان دسترسی به چنین اطلاعاتی را در هر زمان که مورد نیاز باشد.

به منظور دستیابی به چنین هدفی KIDI تا سال ۱۹۹۵ شبکه کامپیوتری‌ای بنا خواهد نمود که در خدمت ارسال یا دریافت داده‌ها بین مؤسسات بیمه باشد و آنگاه این شبکه را با قرار دادن

ابداع و عرضه روزافزون وسایل و امکانات ارتباطی الکترونیکی، راههای تبادل اطلاعات و ارتباط جوامع بشری را، در عین پیچیدگی‌هایی که دارد روز به روز ساده‌تر می‌کند.

ارتباط انسانها از طریق شبکه تلفنی به سادگی انجام می‌گیرد. این ارتباط با فاکس یا تلکس به سادگی تلفن نیست و امکانات ویژه‌ای مورد نیاز است. ارتباطات رادیویی یا تلویزیونی به سادگی موارد قبلی نیست و باید سیستم‌های مناسب دریافت امواج آنها را داشت. این مانع ارتباطی در زمینه کامپیوترها بسیار مشهودتر است. به دلیل تنوع سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای موجود بر روی آنها، امکان ارسال یا دریافت اطلاعات از یک کامپیوتر به کامپیوتر دیگر مسئله‌ای است که متخصصان کامپیوتر و ارتباطات را سخت به خود مشغول ساخته و هر روز که خبر تازه‌ای در این زمینه به دست می‌رسد حکایت از موفقیتی تازه دارد، صنعت بیمه کشورهای مختلف جهان نیز، به دلیل اهمیت و حجم اطلاعات گوناگون حرفه‌ای که باید بین شرکت‌های فعال بیمه‌ای، شرکت‌های بیمه اتکائی و سازمانهای نظارتی رد و بدل گردد، سخت در تکاپوی ایجاد شبکه‌های کامپیوتری مخصوص خود هستند تا از این طریق بتوانند ضمن پردازش سریعتر حجم زیادی از اطلاعات ظرفیت فعالیت بیمه‌ای خود را افزایش داده و به این ترتیب کارآئی شرکت خود را ارتقاء دهند. به عنوان مثال ایجاد چنین شبکه‌ای سبب می‌شود تا در شرکت‌های بیمه‌ای که در داخل این شبکه که باید اطلاعات بیمه‌نامه‌ها را بین یکدیگر، مبادله نمایند: